شنبه 18 آبان 1392 - 07:34

سنگ مضجع مطهر حضرت ابوالفضل (ع) و نوشته بر روی آن

بر روی مضجع مطهر و مبارک فرزند با کرامت امیرمومنان، حضرت ابوالفضل العباس (ع) صندوقی چوبی و خاتم کاری شده از بهترین انواع چوب ساج قرار داده شده است ...

بر روی مضجع مطهر و مبارک فرزند با کرامت امیرمومنان، حضرت ابوالفضل العباس (ع) صندوقی چوبی و خاتم کاری شده از بهترین انواع چوب ساج قرار داده شده است که دارای طول 3 متر، عرض 2.20 و ارتفاع 2 متر می باشد. درون این صندوق، صندوق چوبی میناکاری شده ی دیگری قرار دارد که با نقوش هندی مزین شده و به این آیه منور قرآن کریم مزین گردیده است:

"بسم الله الرحمن الرحيم : هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا" (سورة الإنسان - آية 1)

"آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود"

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا و به نقل از شبکه جهانی الکفیل زیر این صندوق چوبی، اتاقک مقبره ای قرار دارد که پیکر پاک مولا و سرورمان حضرت ابوالفضل العباس (ع) در آن آرمیده است؛ در اینجا قطعه ای از سنگ مرمر مستطیلی شکل دیده می شود که بر این مقبره شریف و در طول بقعه حرم قرار گرفته و بر روی آن ابیات زیر نقش بسته است:

طاولي قـــــبة السماء اعتلاء واكسفى الشمس رفعة واجتلاء

در بلندی از گنبد آسمان فراتر برو و بلندی و شکوه آسمان را بپوشان

انت للخلد صخرة اثبتـــــــــتها قوة الحـق في الحـــياة بنـــــاء

تو برای جاودانگی، صخره ای هستی که نیروی حق در زندگی ساختار آن را ثابت نگه داشته است

فيك كنز الإيـــــــمان طلسُمه الله فضاعت فيه القــرون هـــباء

گنج ایمان در توست که طلسمش خداوند است و قرن ها بر آن گذشته است

هو رمز البقاء فـــــي فلك لم يحو الا ما سوف يلقى الـــفـناء

او رمز ماندگاری فلک است و اگر او نبود قطعا فلک نابود می شد

بطل الطـــف فيك والطف افق جاوز الافق أنجماً وســـــــــــمآء

قهرمان طف در توست و طف افقی است که از افق ستارگان و آسمان فراتر رفت

ها هنا قد ثوى أبا الفضل دُنياً تـــــــــسحر الروح روعة وصفـاء

آری در اینجا ابوالفضل العباس مسکن گزیده است دنیایی که روح را در شکوه و آرامش مجذوب خود می کند

ها هنا مشرق العقـــيدة زهوُ بشـعاع غطى الوجــود ســـــناءُ

اینجا محل طلوع عقیده است و دارای پرتوی است که وجود را سرشار از نور می کند

هاهنا جسمـــه الموزع مكنوزٌ عليه ظـــــــــــــل الالـــهُ أفـــاء

در اینجا پیکر پاره پاره ی حضرت ابوالفضل(ع) نهفته است و بر آن سایه خداوند برگشته است

والیدان المقطوعـــتان تشیران لمعنی أعـــیی الحـــــــــروف أداءُ

و دو دوست قطع شده که به مفهومی اشاره می کند که حروف از ادای آن ناتوانند

أیها الصخرة العظیمة باهـــــي بعـــلاه الأملاك والأنـــــــــــــبیاء

ای صخره عظیمی که فرشتگان و انبیا به واسطه بزرگی اش به خود می بالند

رفع الله للحکیم مقامـــــــــــــاً دونه یخـــــــشع الزمان أحتـــذاء

خداوند مقام حکیم را بالا برد که در مقابلش روزگار سر فرود می آورد

ایة الله مـــــــــــا تحداه بـــاغ بقـــــــــواه الا تـــلاشی عیـــاء

نشانه ی خداوند که هیچ ستگری با نیروهایش نتوانست در برابر او مقاومت کند

أشاء أن یسبق الحیاة بمعنی عنه أعـــــني تفکـیرها أیـــــــحاء

با آوردن معنایی در باره او، می خواهم از اندیشه و اشارات زندگی پیشی بگیرد

بعد ما أنشأ الضریـــــح نشیداً أسکر الـــــــــــفن روعة وبهـــاء

پس از آنکه ضریح حضرت ابوالفضل سرودی را ایجاد کرد که عظمت و شکوه و جلال هنر را مست کرد

أرسل الآیة التي رفعـــــــــتها قدرة الحق في الخـــــــــلود لواء

نشانه ای را فرستاد که قدرت حق در جاودانگی پرچم آن را برافراشت

صخـــــــــرة ابدعتها فکرة الفن فلاحـــت قصـــــــــــــیـــدة غـــراء

صخره ای که ایده فن آن را ابداع کرد و قصیده ای غرور انگیز را نمایان کرد

وعلیها رف مجـــد أبي الفضل فتزداد شـــــــــــــــــوکة وعلاء

در این قصیده بزرگواری ابوالفضل عباس(ع) ذکر شده و باعث افزایش شوکت و عظمت آن شده است

صان فیها للجعفـــــــــریة شأنا قد اغاض الـــــحـــساد والاعداء

در آن شان و منزلت شیعه جعفری حفظ شده است که حسودان و دشمنان را به خشم واداشته است

بارك الله في عزیمة ابـــراهیم أذا حاکت القضاء مضـــــــــــــاء

اراده ابراهیم مبارک باشد چه آنکه قضا و قدر در محکمی از آن تقلید کرد.

صـــــــــــارع الحادثات تلاشت دونه وازدها بـــــــــــــــها کبریاء

با حوادث قضا و قدر درگیر شد و درمقابلش متلاشی شدند و کبریا به واسطه آن اراده به خود بالید

متن عربی و تصویر: عتبه مقدسه حضرت ابوالفضل (ع)